اقرار بوکس باز شیشه‌ای به قتل خاله

این مرد ادعا می‌کند در توهم ناشی از مصرف شیشه خاله‌اش را در هیبت هیولا دیده است

گزارش
غلامرضا مسکنی

قهرمان بوکس کشور که متهم است دو هفته قبل خاله‌اش را به قتل رسانده است، خودش را به پلیس معرفی کرد و ماجرا را شرح داد. این مرد می‌گوید در توهم ناشی از مصرف شیشه مرتکب قتل شده است.

به گزارش خبرنگار ما، این پرونده از ساعت ۸ صبح روز دوشنبه ۲۱ دی ماه با قتل زن ۳۵ ساله‌ای به نام شهین و زخمی شدن پسر هشت ساله‌اش در زیر زمین مسکونی در خیابان ثارالله حوالی میدان امام حسین (ع) به جریان افتاد. آن روز وقتی قاضی ایلخانی بازپرس ویژه قتل از دادسرای جنایی تهران به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد با جسد شهین که با اصابت چندین ضربه چاقو به بدن و گردن به قتل رسیده بود، روبه‌رو شد. تحقیقات اولیه نشان داد در این حادثه پسر هشت ساله مقتول هم به شدت از ناحیه گردن زخمی و برای نجات جانش به بیمارستان منتقل شده است. بررسی‌های بعدی حکایت از آن داشت که مقتول و پسرش اهل شهرستان خرم‌آباد هستند و مدتی است برای کار به تهران آمده و این زیر زمین را به صورت موقت از مردی به نام صفدر که شاگرد بنگاه املاکی است، اجاره کرده‌اند. در حالی که تحقیقات نشان می‌داد صفدر در این چند روز به خانه‌اش رفت و آمد داشته و حتی شب حادثه به خانه‌اش رفته است، مأموران پلیس وی را بازداشت کردند و مورد بازجویی قرار دادند.

وی گفت: من این زیرزمین را اجاره کرده و آنجا ساکن بودم، اما گاهی اوقات هم به صورت موقت به افرادی اجاره می‌دادم. مدتی قبل مقتول و پسرش به بنگاه ما آمدند و خواستند خانه‌ای اجاره کنند.

از آنجایی که پول زیادی نداشتند، خانه خودم را به آنها پیشنهاد دادم که قبول کردند.

وی ادامه داد: دو روز قبل مقتول گفت که پسر خواهرش به تهران آمده و قرار است چند روزی پیش آنها باشد به همین خاطر من به آنجا رفت و آمد نداشتم تا اینکه قرار بود امروز خانه‌ام را از آنها تحویل بگیرم. وقتی وارد خانه شدم با این صحنه هولناک روبه‌رو شدم. ابتدا با پلیس تماس گرفتم و بعد هم از همسایه‌ها کمک خواستم. مأموران پلیس در تحقیقات بعدی دریافتند حمید ۲۰ ساله پسر خواهر مقتول که چند روزی است از شهرستان به تهران آمده است، شب حادثه با خاله و پسر خاله‌اش در محل حادثه خوابیده بوده، اما پس از حادثه به طرز مرموزی ناپدید شده است.

بنابراین حمید به عنوان مظنون این حادثه از سوی کارآگاهان جنایی تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه عصر روز شنبه ۳ بهمن ماه متهم خودش را در تهران به مأموران پلیس معرفی و به قتل خاله و ضرب و جرح پسر خاله‌اش اعتراف کرد.

گفت‌وگو با متهم

صبح دیروز متهم در حالی که دست و پایش غل و زنجیر بود برای بازجویی مقابل قاضی ایلخانی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای جنایی قرار گرفت. متهم همان ابتدا اظهار پشیمانی کرد و گفت تقاضای بخشش دارم و امیدوارم مادر بزرگ، دایی‌ها و خاله‌هایم مرا ببخشند. وی مدعی شد که قصد کشتن خاله‌اش را نداشته و این حادثه به خاطر توهم مصرف مواد مخدر شیشه رخ داده است.

می‌گویند ورزشکاری، درست است؟

بله از ۹ سالگی ورزش را شروع کردم و بعد به صورت حرفه‌ای ادامه دادم.

چه رشته‌ای؟

من بوکس کار کرده‌ام.

مدال هم داری؟

سال قبل در وزن ۱۴۰ کیلو در کشور مقام نخست را کسب کردم و بعد از آن هم به اردوی تیم ملی دعوت شدم و مدتی هم در اردو بودم و قرار بود عضو تیم ملی شوم که این اتفاق افتاد.

استخدام جایی هستی؟

نه، اما در شهرستان باشگاه داشتم و مربی بوکس بودم تا اینکه حدود ۴۵ روز قبل باشگاه را بستم.

درآمد نداشت؟

درآمد زیادی نداشت، ماهی ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان برای من بیشتر نمی‌ماند، اما تنها این علت بستن باشگاهم نبود.

علت اصلی چه بود؟

۵۰ روز قبل برادر ۱۶ ساله‌ام را در یک تصادف رانندگی از دست دادم. برادرم را خیلی دوست داشتم و مرگ او ضربه بزرگی به من زد به طوری که از آن روز به بعد عصبی شدم و قادر به ادامه باشگاهداری نبودم.

چه شد که به تهران آمدی؟

پس از این حادثه، خیلی عصبانی بودم و آرام و قرار نداشتم تا اینکه مادرم به من پیشنهاد داد به تهران بروم و آنجا کاری برای خودم دست و پا کنم. مادرم می‌گفت که در تهران حالم بهتر می‌شود و من لازم است هوا عوض کنم که به تهران آمدم.

کار پیدا کردی؟

نه. من چهار روز بیشتر در تهران نبودم که این حادثه تلخ رخ داد.

چطوری خاله‌ات را در تهران پیدا کردی؟

دو روز در تهران سرگردان و به دنبال کار بودم، اما کاری نیافتم. در این دو روز شب‌ها در پارک و خیابان خوابیدم تا اینکه با یکی از خاله‌هایم تماس گرفتم و آدرس خاله شهین را در تهران گرفتم. وقتی به خاله‌ام گفتم که در تهران هستم و جایی ندارم خواست تا شب‌ها پیش او بروم. خاله‌ام گفت زیرزمینی را اجاره کرده است و آدرسش را داد و من هم رفتم.

چرا خاله‌ات را کشتی؟

وقتی به تهران آمدم حالم بهتر نشد، بلکه بدتر هم شد به طوری که بیشتر از همیشه عصبانی و بی‌قرار بودم. شب اول به خوبی و خوشی گذشت تا اینکه روز بعد تلفنی به یکی از دوستانم گفتم خیلی عصبانی هستم و او هم پیشنهاد داد برای اینکه به آرامش برسم، مواد مخدر شیشه بخرم و مصرف کنم. شب دوم مقداری شیشه از نزدیکی محل حادثه خریدم و به خانه رفتم. وقتی مصرف کردم توهم شدیدی به من دست داد به طوری که خاله و پسر خاله‌ام مانند غول و دیو جلوی چشمانم ظاهر شدند. بعد از این، دیگر چیزی نفهمیدم تا اینکه ساعت ۵ صبح به هوش آمدم و دیدم همه زیر زمین را خون فرا گرفته است. آن لحظه بود که فهمیدم دست به چه جنایتی زده‌ام.

قبل از این حادثه، مواد هم مصرف کرده بودی؟

نه من حتی تا کنون سیگار هم نکشیده بودم و این برای اولین بار بود که تجربه کردم.

چرا فرار کردی و آنها را به بیمارستان نبردی؟

من فکر کردم هر دو فوت کرده‌اند و نمی‌دانستم که پسرخاله‌ام زنده است به همین خاطر خیلی ترسیدم و فرار کردم.

بعد چه شد؟

به شهرستان رفتم و از شهرستان هم به روستای محل زندگی پدر و مادرم رفتم.

به مادرت چیزی نگفتی؟

نه، اما دو روز بعد فهمیدم که مأموران پلیس موضوع را به یکی از خاله‌هایم خبر داده‌اند و متوجه شدم که پسرش زنده است. این بار از ترس اینکه دستگیر نشوم به کوه‌های اطراف روستایمان رفتم و آنجا مخفی شدم.

چه شد که خودت را معرفی کردی؟

در این مدت با مادرم در ارتباط بودم. او از من خواست تا خودم را به پلیس معرفی کنم.

اگر پسر خاله‌ات زنده نبود، خودت را معرفی می‌کردی؟

بله. من در این مدت همه‌اش عذاب وجدان داشتم.

حرف آخر چیست؟

پشیمان هستم. امیدوارم خانواده‌ام مرا ببخشند

جنایت دوم مرد شیشه‌ای پس از آزادی از زندان

مرد شیشه‌ای که چهار سال قبل همسرش را به قتل رسانده بود و با گرفتن رضایت از زندان آزاد شده بود، در جنایت دیگری پسر ۱۴ ساله‌اش را به قتل رساند.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۳ بامداد دیروز قاضی حسین پور، بازپرس ویژه قتل از دادسرای جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۰۸ نواب از قتل پسر ۱۴ ساله‌ای به دست پدرش با خبر شد. لحظاتی بعد از اعلام این خبر، بازپرس به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حادثه که آپارتمان مسکونی‌ای در انتهای خیابان مرتضوی بود، حاضر شد و با جسد پسر ۱۴ ساله‌ای به نام محمدعلی روبه‌رو شد که با فشار بر عناصر حیاتی گردن فوت کرده بود. بررسی‌ها نشان داد مقتول به دست پدرش به قتل رسیده است و مأموران پلیس هم وی را بازداشت کرده‌اند.

یکی از مأموران گفت: دقایقی قبل این حادثه به ما گزارش شد و ما خیلی زود در محل حادثه حاضر شدیم. وقتی وارد این خانه شدیم، قاتل هنوز روی سینه مقتول نشسته بود و با حوله گردن او را فشار می‌داد که بازداشتش کردیم. تحقیقات بعدی نشان داد متهم که چهار سال قبل به اتهام قتل همسرش در زندان بوده، اسفند ماه قبل با گرفتن رضایت آزاد شده و با مادر، دختر و پسرش در این خانه زندگی می‌کرده تا اینکه این حادثه غم‌انگیز را دوباره رقم می‌زند. دختر ۱۸ ساله متهم گفت: ساعت ۲۱ شب پدرم به خانه آمد. ما هیچ مشکلی نداشتیم تا اینکه بعد از خوردن شام پدرم با برادرم به اتاق رفتند تا بخوابند. نیمه‌های شب ناگهان با شنیدن صدای خرخر شدید از خواب بیدار شدم. صدا از اتاق برادرم می‌آمد و من بلافاصله به اتاق او رفتم که دیدم پدرم حوله‌ای به دور گردن برادرم انداخته و در حال خفه کردن او است. برادرم زیر او دست و پا می‌زد که با داد و فریاد از مادر بزرگم کمک خواستم. بعد از آن مادر بزرگم از خواب بیدار شد و به کمک من آمد اما ما نتوانستیم او را نجات دهیم. سپس مادر بزرگم به آشپزخانه رفت و چاقو و چنگالی برداشت و به طرف پدرم حمله کرد که پدرم دست او را گرفت و مادر بزرگم را هل داد. مادر بزرگم به زمین خورد به طوری که دستش هم زخمی شد. بعد از آن من به داخل خیابان رفتم و از همسایه‌ها درخواست کمک کردم، اما هیچ کس به کمک ما نیامد و فقط یکی از همسایه‌ها با پلیس تماس گرفت. وقتی مأموران پلیس از راه رسیدند دیگر برادرم خفه شده بود. همزمان با انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی، متهم در بازجویی‌ها در محل حادثه به قتل پسرش اعتراف کرد.

گفت‌وگو با قاتل

صبح دیروز متهم در حالی که دست و پایش با غل و زنجیر بسته شده بود و مأمور پلیسی او را همراهی می‌کرد، نفس‌زنان وارد شعبه پنجم ویژه قتل دادسرای جنایی شد. وی آرام و قرار نداشت و خستگی در چهره‌اش موج می‌زد. مدام زیر لبش زمزمه می‌کرد و می‌گفت که سخت‌ترین کار عمرم را انجام دادم و راهی جز این نداشتم و باید پسرم را به قتل می‌رساندم. متهم پس از بازجویی به دستور قاضی حسین پور برای مشخص شدن سلامت روحی و روانی و اعتیاد به پزشکی قانونی معرفی شد.

همسرت را چه سالی به قتل رساندی؟

روز اول شهریور ماه سال ۱۳۹۰ او را با چاقو به قتل رساندم.

چرا؟

اختلاف خانوادگی داشتیم.

یعنی به خاطر اختلاف خانوادگی باید همسرت را بکشی؟

نه. تنها این نبود. بد اخلاق بود و به من فحاشی می‌کرد. ما همیشه با هم مشاجره لفظی داشتیم تا اینکه ساعت ۳ بامداد با چاقو به جانش افتادم و او را کشتم.

معتادی؟

بیشتر تریاک می‌کشم، آن هم به خاطر اینکه پا درد دارم. وقتی تریاک می‌کشم دردم کم می‌شود.

مواد روان گردان نمی‌کشی؟

بعضی وقت‌ها که تریاک گیرم نمی‌آید، شیشه می‌گیرم و مصرف می‌کنم.

زمانی که همسرت را به قتل رساندی، شیشه هم مصرف می‌کردی؟

بله، اما کم.

چطور شد آزاد شدی؟

برادرم تمام دار و ندارش را فروخت و ۱۰۰ میلیون تومان به من کمک کرد تا دیه همسرم را پرداخت کردم و آزاد شدم.

فکر نمی‌کردی اگر زندان بودی بهتر بود؟

نه. من آمدم که بالای سر فرزندانم باشم. نمی‌خواستم پسر و دخترم بدون سایه پدری بزرگ شوند.

فکر می‌کنی الان سایه پدری‌ات بالای سر آنهاست؟

سکوت می‌کند و کمی هم گریه.

چرا گریه می‌کنی؟

من سخت‌ترین کار عمرم را انجام دادم، اما باید این کار را می‌کردم.

چرا؟

پسرم تحت فرمان من نبود. دوست داشتم مثل خودم باشد. چهار سال در زندان بودم و به این امید بیرون آمدم که ببینم پسرم حرف گوش کن است، اما وقتی از زندان آزاد شدم، امیدم ناامید شد.

پسرت چه کار می‌کرد که تو را عصبانی کرد؟

او هر روز مادرم را اذیت می‌کرد. ۹ ماه او را نصیحت کردم، اما فایده‌ای نداشت. او حرف مرا گوش نمی‌کرد تا اینکه شب حادثه در خواب تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم.

آن شب شیشه هم مصرف کرده بودی؟

شب نه، اما روز قبل شیشه مصرف کردم.

به چه کاری مشغول بودی؟

من اتوبوس ولوو دارم و راننده‌ام، اما چند روزی بود که کار نمی‌کردم.

چرا؟

احساس خستگی می‌کردم.

الان چی احساسی داری؟

ناراحت هستم، اما از اینکه او را کشته‌ام پشیمان نیستم

تصادف مرگبار در آزادراه

تصادف زنجیره‌ای شبانه در آزادراه قزوین به کرج یک کشته و ۹ زخمی برجای گذاشت.

این حادثه ساعت ۲۲ شامگاه شنبه اتفاق افتاد که در جریان آن یک دستگاه تریلی، دو سواری سمند، یک سواری زانتیا و یک سواری پژو روآ با هم برخورد کردند. بررسی‌های پلیس و امدادگران بعد از حضور در محل نشان داد که راننده سواری زانتیا در دم جان خود را از دست داده است. هشت مصدوم حادثه، با کمک اورژانس و امدادگران هلال احمر به بیمارستان ولیعصر آبیک منتقل شدند و یک مصدوم دیگر هم به علت شدت جراحات وارده به بیمارستان رجایی قزوین برده شد. سرهنگ بهرام زینلی، رئیس پلیس راه استان قزوین علت سانحه را تخطی از سرعت مطمئنه در جاده لغزنده از سوی راننده کامیون نسبت به چهار وسیله دیگر اعلام کرد.

دزد ماشین پلیس به اتهام قتل محاکمه شد

سارق خودروی پلیس که هنگام طی کردن دوران محکومیتش مرتکب قتل هم‌سلولی‌اش شده بود، روز گذشته محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، جلسه رسیدگی در شعبه دهم دادگاه کیفری شماره یک استان تهران برگزار شد. ابتدای جلسه نماینده دادستان تهران در جایگاه قرار گرفت و گفت سینا، متهم پرونده آذرماه سال ۹۲ هم‌سلولی‌اش کامران را در زندان به قتل رسانده است. وی توضیح داد: سینا آخرین بار به اتهام سرقت خودروی پلیس بازداشت شده بود و دوران محکومیتش را سپری می‌کرد که مرتکب قتل شد. او در بازجویی‌ها به جرمش اقرار کرده است و برایش درخواست صدور مجازات قانونی دارم. پس از آن پدر مقتول در جایگاه قرار گرفت و گفت که خواسته‌اش قصاص متهم است. او گفت پسرم به اتهام سرقت به شش ماه حبس محکوم شده و قرار بود به زودی آزاد شود که خبر دادند فوت شده است به خاطر همین حاضر به گذشت از متهم نیستم. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و در شرح ماجرا گفت: روز حادثه داشتم داخل باجه تلفن زندان حرف می‌زدم که کامران پشت باجه قرار گرفت. او مدام به شیشه باجه ضربه می‌زد تا من مکالمه‌ام را کوتاه کنم. اعصابم سر این کارش خراب شد. گوشی را گذاشتم و از باجه بیرون آمدم. درفش دست‌سازی را که همیشه همراهم بود، از جیبم بیرون کشیدم و ضربه‌ای به سینه‌اش زدم که مجروح شد. بعد او را به بیمارستان منتقل کردند و طولی نکشید که خبر رسید فوت شده است.

سینا گفت کامران هم‌سلولی من بود و با هم رفیق بودیم. من قصد کشتن او را نداشتم و از اولیای دم می‌خواهم که از من گذشت کنند.

قاضی قربان‌زاده بعد از شنیدن دفاعیات متهم و وکیل مدافع او با اعضای دادگاه وارد شور شد.

دستگیری سارقان مسلح طلافروشی

سارقان مسلح که متهم هستند به یک طلافروشی در شهرستان بویین زهرا دستبرد زده بودند، بازداشت شدند.

این حادثه چندی قبل اتفاق افتاد و سارقان نقابدار مسلح بعد از سرقت مقداری طلا از محل گریختند. مأموران پلیس آگاهی استان قزوین بعد از تحقیق در این باره، مخفیگاه متهمان را که از مجرمان سابقه‌دار بودند، شناسایی و آنها را بازداشت کردند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که سارقان طلاها را به چهار مالخر فروخته‌اند که آنها هم طلاها را به شمش تبدیل کرده‌اند. در شاخه دیگری از بررسی‌ها مالخران بازداشت شدند و شمش‌های طلا هم کشف شد.

سردار «مهدی محمودی»، فرمانده انتظامی استان بدون اشاره به مقدار طلای سرقتی گفت: از سارقان دو قبضه اسلحه تپانچه و یک عدد افشانه اشک‌آور و دو قبضه چاقو کشف شد.

عامل حادثه خونین شب قدر یاسوج قصاص شد

عامل اصلی تیراندازی مرگبار در شب قدر شهرستان یاسوج که به قتل یک نفر منجر شده بود، سحرگاه دیروز قصاص شد.

سحرگاه ۱۷ تیرماه امسال مصادف با شب قدر بود که مأموران پلیس شهرستان یاسوج از حادثه تیراندازی مقابل یکی از مساجد شهر در بلوار امام خمینی با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که در جریان تیراندازی سرنشینان خودروی سمند، چند نفر مجروح شده‌اند. تحقیقات بیشتر پلیس حکایت از این داشت که یکی از مجروحان حادثه پس از انتقال به بیمارستان فوت شده است. تحقیقات در این باره به سرعت دنبال شد و مأموران به سرعت عاملان حادثه را که سه مرد جوان بودند، بازداشت کردند. پس از اقرار متهمان، پرونده در دادگاه کیفری شماره یک استان رسیدگی و عامل اصلی به قصاص محکوم و حکم وی بعد از تأیید در دیوان عالی کشور سحرگاه دیروز در زندان یاسوج اجرا شد.

دردسرهای عکس یادگاری با پرنده‌های شکاری

انتشار عکس شکارچی غیرمجاز با پرنده‌های شکار شده، باعث گرفتاری متهم شد.

آذرماه امسال بود که عکس مرد شکارچی همراه پرنده‌های حفاظت شده‌ای مثل پلیکان خاکستری و فلامینگو در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. با ردیابی این عکس که کنار یک خودرو با پلاک استان گلستان گرفته شده بود، باعث شناسایی شکارچی در شهرستان کردکوی شد. شکارچی غیرمجاز وقتی متوجه شد که مأموران پلیس و محیط‌بانان در تعقیب او هستند، از خانه متواری شد تا اینکه مخفیگاهش اطراف شهر شناسایی و وی بازداشت شد. بررسی‌های بیشتر در این باره ادامه دارد.

هواخواهی مرگبار از کاندیدای انتخاباتی

دعوای هواداران دو کاندیدای انتخاباتی مجلس در شهرستان شوش یک کشته برجای گذاشت.

این حادثه ظهر روز شنبه در یکی از خیابان‌های شهرستان شوش رقم خورد و چند مرد جوان که همگی اعضای یک طایفه بودند بر سر دو نامزد انتخاباتی با هم دعوا کردند. لحظاتی پس از بالا گرفتن مشاجره آنها به روی هم چاقو کشیدند که یکی از آنها کشته شد و سه نفر دیگر که مجروح شده بودند به بیمارستان منتقل شدند. سرهنگ سیدرحمان موسوی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی خوزستان گفت تحقیقات بیشتر درباره حادثه در جریان است.

قتل دایی با شلیک گلوله

اختلاف مالی دایی و خواهرزاده در شهرستان گچساران حادثه خونینی را رقم زد.

این حادثه شامگاه شنبه در کوچه دهم خیابان کارکنان دولت گچساران اتفاق افتاد. لحظاتی بعد از حادثه بود که مأموران پلیس متوجه شدند که مرد ۴۷ ساله‌ای با شلیک گلوله مجروح و پس از انتقال به بیمارستان فوت شده است. ضارب که پسر ۲۹ ساله‌ای بود خودش را به پلیس تسلیم کرد و در شرح ماجرا گفت: از مدتی قبل با مقتول که دایی‌ام بود، اختلاف مالی داشتم. امشب وقتی برای حرف‌زدن بر سر موضوع به خانه‌اش رفتم با هم مشاجره کردیم. عصبانی شدم، کنترل خودم را از دست دادم و با اسلحه ساچمه‌زنی به طرفش شلیک کردم که مجروح شد. به سرعت او را به بیمارستان منتقل کردم، اما پزشکان بعد از معاینه گفتند که به علت شدت جراحت فوت شده است.

سرقت خودروهای مسافربر با تهدید اسلحه

سه مرد مسلح که متهم هستند با فریب راننده‌ها در شهرستان فهرج کرمان، خودروی آنها را سرقت می‌کردند، به دام پلیس افتادند.

چندی قبل مأموران پلیس از ماجرای سرقت‌های مسلحانه خودروهای مسافربر شخصی با خبر شدند و دست به تحقیق زدند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که چند نفر خودروهای مسافربر شخصی را به صورت دربست کرایه می‌کنند و در محل خلوتی با تهدید سلاح، دست و پای راننده را می‌بندند و بعد از رها کردن وی در بیابان، خودرو را سرقت می‌کنند. در حالی که تعداد شکایت‌ها به شش فقره رسیده بود، مأموران پلیس موفق به شناسایی و بازداشت اعضای این باند شدند. سرهنگ مهدی پنجعلی‌زاده، فرمانده انتظامی شهرستان فهرج گفت: متهمان تاکنون به شش فقره سرقت مسلحانه خودرو در شهرستان‌های شرقی استان کرمان اعتراف کرده‌اند و تلاش برای کشف دیگر سرقت‌های احتمالی آنها ادامه دارد.

مرگ خاموش مادر و کودک خردسال

مادر و دختر خردسالش در شهرستان سقز دچار گاز گرفتگی شدند و جان خود را از دست دادند.

این حادثه دو روز قبل در خانه‌ای در محله بهارستان سقز اتفاق افتاد و امدادگران با تماس همسایه‌ها از ماجرا باخبر و در محل حاضر شدند.

امدادگران مادر ۲۸ ساله و دخترک سه ساله را به بیمارستان امام خمینی منتقل کردند، اما پزشکان پس از معاینه فوت آنها را تأیید کردند. خارج شدن لوله آبگرمکن از جای خودش، علت حادثه اعلام شده است. اجساد برای تعیین علت اصلی فوت به پزشکی قانونی منتقل شد.

باشگاه حقوقی

مدیریت در ساختمان

براساس ماده ۷ قانون تملک آپارتمان‌ها، اگر یک آپارتمان یا یک محل کسب دارای چند مالک باشد، مالکین یا قائم مقام قانونی آنها مکلفند یک نماینده از طرف خود برای اجرای مقررات این قانون و پرداخت سهم مخارج مشترک تعیین کنند. اگر این اشخاص به تکلیف فوق عمل نکنند، رأی اکثریت بقیه مالکین معتبر خواهد بود، مگر اینکه این عده کمتر از ثلث مالکین باشند که در این صورت برای یک دفعه تجدید دعوت خواهد شد و نیز براساس ماده ۸ همین قانون، در هر ساختمان اگر عده مالکین بیشتر از سه نفر باشد، مجمع عمومی مالکین مکلف مدیر یا مدیرانی از بین خود یا از خارج انتخاب کنند. طرز انتخاب مدیر از طرف مالکین و وظایف و تعهدات مدیر و امور مربوط به مدت مدیریت و سایر موضوعات مربوطه در آیین‌نامه قانون تملک آپارتمان‌ها مشخص شده است.

براساس ماده ۱۰ قانون تملک آپارتمان‌ها، هر کس آپارتمانی را بخرد، به نسبت مساحت قسمت اختصاصی خود، در زمینی که ساختمان روی آن نباشد یا اختصاص به ساختمان دارد، به طور مشاع سهیم می‌شود، مگر آنکه مالکیت آن زمین به دلیل وقف یا دلایل دیگر متعلق به فرد دیگری باشد. مخارج مربوط به محافظت ملک و جلوگیری از انهدام و اداره و استفاده از اموال و قسمت‌های مشترک و به طور کلی مخارجی که جنبه مشترک دارد و یا به علت طبیعت ساختمان یا تأسیسات آن اقتضا می‌کند که یک جا انجام شود نیز باید به تناسب سهم هر مالک پرداخت شود، هر چند آن مالک از استفاده از آنچه مخارج برای آن است، صرف نظر کند.